



افشاشگری‌های مطبوعاتی درباره سال آخر ریاست‌جمهوری ترامپ با انتشار ۳ کتاب مورد توجه جامعه آمریکا قرار گرفته است

روایت روزهای آخر ترامپ در کاخ سفید

بارها عنوان کرده بود که هیئت کارهای خوب زیادی هم انجام داده است. ترامپ معتقد بود پیشرفت امروز آلمان در بخش صنعتی نیز مدیون اقدامات هیئت است. البته جان کلی بعدا این صحبت‌ها را تکذیب کرد اما پیش از این نیز ایوانا، زن اول ترامپ بیان کرده بود که او از همان ۳۰ سال پیش نیز شیفته هیئت بود و یک نسخه از کتاب سخنرانی‌های هیئت را در کنار تختخواب خود داشت و آنها را مرتباً می‌خواند!

در این کتاب‌ها همچنین ادعا شده است که ترامپ معتقد بود میچ مک کال، رئیس اقلیت جمهوری‌خواه در مجلس نمایندگان آمریکا «به اندازه یک سگ احقر است» او در ماه آوریل سال جاری نیز در جلسهای با حامیان مالی حزب جمهوری‌خواه عنوان کرده بود میچ مک کال احقر است. اختلافات این ۲ بر سر استیضاح ترامپ در کنگره آغاز شد؛ زمانی که مک کال نتوانست در دفاع از ترامپ اقدامی انجام دهد.

نکته جالب بعدی اما رفتار رودی جولینی، وکیل ترامپ در زمان اعلام نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری است. او در شب انتخابات به ترامپ پیشنهاد داده بود که نتیجه انتخابات هر چه باشد، او زودتر باید اعلام پیروزی کند. خبرنگاران واشنگتن پست در کتاب خود گفته‌اند تمام اعضای تیم انتخاباتی ترامپ با این پیشنهاد جولینی مخالف بودند و اجازه انجام این کار را به او ندادند.

بخش عده‌ای از این ۳ کتاب به ماجرای حمله طرفداران ترامپ به کنگره در روز ۶ ژانویه اختصاص دارد. حامیان ترامپ بر اساس مصاحبه‌هایی که خبرنگار وال استریت ژورنال در کتاب خود با آنها انجام داده، اعتقاد داشتند روز ۶ ژانویه برای براندازی حکومت در آمریکا به کنگره حمله کرده‌اند! آنها زفته بودند «چیزی بزدند» یا «خسارتی وارد کنند» آنها رفته بودند زیرا فکر می‌کردند قرار است حکومت و سیستم سیاسی را در آمریکا به نفع ترامپ تغییر دهند. مساله جالب توجه دیگر درباره حوادث روز ششم ژانویه اما این است که صحبت‌های ترامپ در روز ۶ ژانویه در بین حامیانش که عده‌ای معتقدند همان صحبت‌ها باعث حمله به کنگره شد، توسط مشاوران و نویسندگان کمپین انتخاباتی‌اش نوشته نشده بود و همه آنها را ترامپ شخصاً ایراد کرده بود.

نکته آخر که مساله مهم در ارتباط با نوع برخورد ترامپ با ایران است، تلاش او برای حمله به ایران بعد از اعلام شدن نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری است. بنا به ادعای نویسندگان این کتاب، ترامپ بعد از اطمینان یافتن از اینکه نتایج انتخابات در نهایت به نفع بایند خواهد بود، با مشاوران خود صحبت کرده بود که آیا حمله به ایران می‌تواند باعث شود که انتقال قدرت انجام نشود و او همچنان در کاخ سفید باقی بماند یا خیر. مشاوران نظامی ترامپ در نهایت او را از این کار بازداشتند و عنوان کرده بودند که این کار جز در دسر و به هم ریختن اوضاع منطقه، سودی به حال او ندارد و او در نهایت باید قدری را به بایند تحویل دهد. این کتاب‌ها البته تنها کتاب‌هایی نیستند که همچنان اسم ترامپ را در آمریکا زنده نگه می‌دارند. بر اساس اخبار گزارش شده در رسانه‌های آمریکایی، ترامپ تاکنون برای نوشته شدن ۲۲ کتاب با نویسندگانهای مختلف مصاحبه کرده است و برخی از این کتاب‌ها به نفع او و برخی دیگر در انتقاد از او نوشته می‌شوند.

این کار کاملاً خلاف قانون اساسی است. مایکل وولف در کتاب جدید خود در عین حال مدعی شده ترامپ با مشاهده تظاهرات و درگیری‌های شکل گرفته بر سر جنبش «جان سیاهان اهمیت دارد» و اعتراضات به گذشته شدن جورج فلویید، گفته بود می‌خواهد «ظالمیان پدر معترضان را در بیرون» و «جمجمه‌شان را خرد کنند». پندر، خبرنگار وال استریت ژورنال نیز در کتاب خود نوشته است که دستیاران ترامپ مانع از این تصمیم او شدند. ترامپ باز هم اصرار می‌کرده است که حداقل «ظالمیان به پای آنها شلیک کنند» یا اینکه «حداقل در قبال آنها سختگیری کنند».

نکته مهم دیگر عدم رضایت ترامپ از قضات دیوان عالی بود که خود برای عضویت در این دیوان آنها را پیشنهاد داده بود. به عنوان مثال او پشتند از برت کاونان عصبانی بود زیرا فکر می‌کرد به اندازه کافی قدر این تصمیم ترامپ را ندانسته و جرات و شجاعت کافی برای اجرائی کردن منویات ترامپ در دیوان عالی آمریکا را ندارد.

روزنامه‌نگار وال استریت ژورنال همچنین در کتاب خود مطرح کرده است که جان کلی، رئیس کارکنان کاخ سفید بارها تلاش کرده بود جلوی ترامپ را بگیرد تا به صورت عمومی هیئت را ستایش نکند. با این حال در این کار موفق نشده بود. ترامپ

درون حزبی در بین دموکرات‌ها و بعد از آن با انتخاب شدن بایسن در عنوان نامزد نهایی دموکرات‌ها بر این عقیده بود که حزب دموکرات در نهایت به گزینه بایسن-هریس رأی نمی‌دهد و ممکن است در آخرین دقایق گزینه اندرو کومو و میشل اوباما را برای رأی گیری نهایی به آمریکایی‌ها معرفی کند. او این تئوری را از شان هنیسی، مجری فاکس نیوز شنیده بود و معتقد بود باراک اوباما صحنه را به نحوی تغییر می‌دهد که همسرش به عنوان معاون رئیس‌جمهور مطرح شود.

دومین نکته مطرح‌شده در این کتاب‌ها این است که در روزهای آخر ریاست‌جمهوری، ترامپ قصد داشت با استفاده از بحران کرونا در ایالات متحده، راهی برای باقی ماندن در قدرت پیدا کند. او پیشنهاد داده بود به خاطر بحران کرونا، انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۰ برای مدتی نامعلوم به تعویق بیفتد. ترامپ معتقد بود انتخابات پستی می‌تواند با فسادهای گسترده و همچنین تقلب انتخاباتی همراه شود در روزهای آخر باقیمانده تا رأی گیری نهایی نیز ترامپ قصد داشت با تاکید بر اینکه «ویروس زیادی در جامعه است» و «مردم نمی‌توانند به محل اخذ آرا مراجعه کنند» رأی گیری را به تعویق بیندازد. با این حال مارک میدو، رئیس کارکنان کاخ سفید و تیم حقوقی‌اش به او خاطر نشان کردند که امکان تعویق انتخابات وجود ندارد و

درست می‌کنم» از فیلیپ روکر و کارول لونیگ، خبرنگاران واشنگتن پست در کاخ سفید است.

همه این کتاب‌ها گزارش‌های دقیقی از فعالیت‌های ترامپ در کاخ سفید در طول یک سال پایانی ریاست‌جمهوری‌اش داشته و نشان می‌دهد که چطور او تلاش داشت با توسل به انواع راهکارها همچنان در قدرت باقی بماند و در نهایت چطور انتخابات را به بایسن باخت.

نشریات آمریکایی با وجود اینکه بارها به بالا بودن تعداد کتاب‌هایی که راجع به ترامپ نوشته شده است، اشاره کرده‌اند اما گفته‌اند هر قدر هم تعداد این کتاب‌ها زیاد باشد ولی باز هم مخاطبان برای شنیدن و خواندن حکایت‌هایی از جزئیات فعالیت‌های ترامپ در کاخ سفید حریص‌اند و می‌کوشند سر در بیورند او چطور ۴ سال در کاخ سفید باقی ماند و چطور انتخابات را به رقیبش واگذار کرد.

علت توجه ویژه به این ۳ کتاب اما نکاتی است که در آنها مطرح شده و جنجال زیادی را مطرح کرده است. در زیر به مهم‌ترین نکات مطرح‌شده در این ۳ کتاب که تا به حال به آنها پرداخته نشده بود اشاره می‌شود:

اولین نکته جالب در متن این کتاب‌ها این بود که عنوان شده است ترامپ از همان ابتدای شکل گرفتن رقابت‌های انتخاباتی

نشانه اکوان: اخیراً ۳ کتاب درباره روزهای پایانی حضور دونالد ترامپ در کاخ سفید منتشر شده است که توجه رسانه‌ها و مردم را در آمریکا بشدت به خود جلب کرده است. این ۳ کتاب که هر کدام نوشته یک یا چند تن از خبرنگاران حاضر در کاخ سفید است، نشان‌دهنده تلاش‌های آخر ترامپ برای باقی ماندن در قدرت است؛ اقداماتی که از بهانه فرار دادن کرونا برای ترک نکردن کاخ سفید شروع می‌شود و به تلاش برای جنگ با ایران برای باقی ماندن به عنوان رئیس‌جمهور ایالات متحده ختم می‌شود!

رسانه‌های آمریکایی توقع نداشتند تابستان آرام سال جاری که قرار بود نخستین تابستان و فصل تعطیلات و تفریح بدون حضور ترامپ و جاروجنجال‌های او را تجربه کنند هم مانند چند سال پیش، مشغول انتشار جنجال‌های شدید رسانه‌ای درباره ترامپ باشند. با این حال انتشار ۳ کتاب درباره روزهای آخر ریاست‌جمهوری ترامپ نشان داد جامعه آمریکا به این زودی‌ها از جنجال‌های ترامپ رهایی نمی‌یابد.

این ۳ کتاب شامل «صادقانه بگویم، ما این انتخابات را بردیم» از مایکل پندر خبرنگار روزنامه وال استریت در کاخ سفید، «زمین‌لغزه روزهای پایانی کاخ سفید ترامپ» از مایکل وولف، نویسنده معروف آمریکایی که پیش از این کتاب «تشنه و خشم» را منتشر کرده بود و در نهایت کتاب «من به تنهایی

ریشه اختلافات عربستان و امارات در منطقه



با حفظ فاصله پنهان می‌کنند که هم در دوستی و هم در دشمنی برقرار است؟^۱ به نوعی می‌توان یک روی گردانی مقدماتی را در رفتار خارجی سعودی‌ها نسبت به موضوعات منطقه‌ای همچون یمن مشاهده کرد. با این حال، به‌رغم وجود اختلافات سیاسی میان امارات و عربستان، هر ۲ کشور خواهان حفظ شکل ظاهری ائتلاف عربی هستند این مساله، حائز اهمیت است که امارات و عربستان برخی اهداف سیاسی مشترکی را در یمن دنبال می‌کنند که می‌توان آن را از منظر پراگماتیسمی مورد بررسی قرار داد. عده‌ای معتقدند چند احتمال برای ابهام موضع عربستان سعودی در قبال نقش مخرب امارات در امور ائتلاف عربی قابل مشاهده است. از جمله آنکه ممکن است امکان تفاهم میان رهبران سعودی و اماراتی همچنان وجود داشته باشد و ریاض برای رسیدن آن لحظه همچنان اقدامات ابوطیبه را تحمل می‌کند. دوم آنکه احتمال مشغول بودن سعودی‌ها در مرزهای جنوبی خود در مواجهه با نیروهای انصارالله، موجب شده آنها به طور موقت از پاسخ به اقدامات امارات خودداری کنند همچنین یکی دیگر از احتمالات به نیاز عربستان به نفوذ امارات در مواضع دولت آمریکا نسبت به آینده و ادامه جنگ در یمن از سوی ائتلاف عربی مربوط است. حمایت‌های تدارکاتی ولجستیکی غرب به صورت آشکار و پنهان بخش مهمی از توان رزمی ائتلاف عربی در جنگ یمن به شمار می‌رود.

■ **سیاست‌گذاری برای امارات با اسرائیل، گامی در جهت تقویت هژمونی ابوطیبه در منطقه**
روابط میان امارات عربی متحده و رژیم صهیونیستی تا قبل از انعقاد توافقنامه عادی‌سازی روابط، بیشتر در قالب مواضع سیاسی مشترک بوده است؛ زیرا چنانچه حکومت سعودی از سیاستی عهده‌دار و با حمایت از شبه‌نظامیان طرفدار خلیفه حتر و تقویت حضور نظامی خود در شرق لیبی از طریق احداث پایگاه‌های نظامی، نفوذ سیاسی خود را در شرق لیبی تثبیت کرده است.

نظامی ترکیه در جنگ داخلی لیبی موازنه جنگ را به سود دولت مستقر در طرابلس رقم زد و مانع از سقوط این شهر شد. در نتیجه قدرت چانه‌زنی آنکارا را در رابطه با آینده سیاسی لیبی افزایش داد. حضور نظامی غیرمنظره روسیه در لیبی نقش مؤثری را در حفظ توازن نظامی میان آنکارا - ابوطیبه ایجاب کرد و پیشروی‌های متحان نظامی آنکارا به شرق لیبی را متوقف کرد. دستیابی به منطقه هلال نفتی یکی از اهداف مهم مداخله نظامی ترکیه در لیبی به شمار می‌آید. در حال حاضر امارات عربی متحده به وسیله شرکت‌های نفتی خود مسؤول استخراج و فروش بخشی از نفت در کنترل دولت طبرق را بر عهده دارد و با حمایت از شبه‌نظامیان طرفدار خلیفه حتر و تقویت حضور نظامی خود در شرق لیبی از طریق احداث پایگاه‌های نظامی، نفوذ سیاسی خود را در شرق لیبی تثبیت کرده است.

ترکیه و قطر در منطقه شاخ آفریقا است. امارات با استفاده از اهرم‌های سیاسی و اقتصادی سعی در تقویت رساندن نخیکنگ سیاسی طرفدار خود در عربستان را در یک بن‌بست سیاسی- نظامی قرار داد. ■ **یمن؛ حلقه وصل نفوذ در بای امارات در شاخ آفریقا**
منطقه شاخ آفریقا از دیرباز نقش مهمی در مناسبات تجارت بین‌المللی بویژه به منطقه خلیج‌فارس داشته است. اهمیت استراتژیکی شاخ آفریقا را می‌توان از زمان رقابت بین ساسانیان و بیزانس برای کنترل بخشی منطقه در آن زمان، بلکه قبل‌تر از آن دوره نیز مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. امارات عربی متحده برای ایفای نقش مؤثر سیاسی و اقتصادی در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی تلاش دارد تحولات سیاسی کشورهای منطقه شاخ آفریقا را که در سال‌های اخیر با بی‌ثباتی مواجهه شدند به سود خود تغییر دهد. از این رو ابوطیبه با استفاده از خلاهای سیاسی و اجتماعی موجود در منطقه شاخ آفریقا سعی در بسط نفوذ اقتصادی و سیاسی خود در کشورهای این منطقه با هدف به کنترل در آوردن بنادر مهم منطقه شاخ آفریقا که بر ابراهه استراتژیکی بال‌المنند اشراف دارند، دارد.^۱ هدف اصلی امارات از این سیاست تأثیرگذاری بر اقتصاد بین‌الملل و نقش آفرینی به عنوان بازیگر اول منطقه است. سقوط رژیم‌های سیاسی در شمال آفریقا که متأثر از بهار عربی بود، نظم چندجانبه حاکم بر منطقه آفریقا را درگرونگ کرد. امارات عربی متحده به منظور تقویت هژمونی خود، سیاست عمل‌گرایانه‌تری را برای مقابله با نفوذ سیاسی قطر و ترکیه در آفریقا اتخاذ کرد. قطر و ترکیه از حامیان اصلی تغییر نظام‌های سیاسی در منطقه هستند و برای تحقق این‌هدف‌ها جنبش‌های اسلامگرای منطقه بویژه در مصر حمایت کردند. در مقابل امارات، تغییر نظم منطقه‌ای را خطری برای نقش منطقه‌ای و بین‌المللی خود تلقی می‌کند. تحولات پس از بهار عربی، رقابت‌های سیاسی- اقتصادی میان امارات و عربستان از یک سو و ترکیه و قطر از سوی دیگر را در منطقه شاخ آفریقا تشدید کرد. حمله نظامی ائتلاف عربی به رهبری عربستان برای جلوگیری از سقوط تنگه باب‌المنند به دست انصارالله و حمایت‌های لجستیکی و اطلاعاتی انگلستان و ایالات‌متحده آمریکا برای جلوگیری از دسترسی ایران و متحدانش به منطقه شاخ آفریقا با توجه به مناسبات سیاسی ایران با کشورهای سودان، تیپویی و جیبوتی، مهم‌ترین چالش‌های ابوطیبه و رقیب‌های آن برای کنترل این منطقه استراتژیکی است.^۲ امارات عربی متحده بعد از استقرار در یمن، نیروهای نظامی خود را در سواحل غربی یمن و جزیره سقطری تقویت کرد، همچنین با احداث پایگاه‌های نظامی در جیبوتی و سومالی به دنبال مقابله با نفوذ

دیگر نیروهای انصارالله که در شمال یمن هستند. بنابراین سیاست‌های دوگانه ابوطیبه و سوءبرداشت نخیکنگ سیاسی جدید سعودی از تحولات یمن، عربستان را در یک بن‌بست سیاسی- نظامی قرار داد. ■ **یمن؛ حلقه وصل نفوذ در بای امارات در شاخ آفریقا**

منطقه اصلی اختلافات به تلاش‌های عبدالعزیز بن عبدالرحمن، موسس پادشاهی سوم سعودی بازمی‌گشت که تلاش داشت هژمونی خود را به طور کامل بر خلیج‌فارس تثبیت کند اما فشار بریتانیا مانع این اقدام شد. تحولات بهار عربی و خلا قدرت در کشورهای که تغییر نظام سیاسی را تجربه کردند، زمینه را برای کنشگری بیشتر محور ریاض- ابوطیبه فراهم کرد. ساختار سیاسی پادشاهی در این دو کشور، آنها را به خط اول مقابله با جنبش‌های انقلابی در منطقه مبدل کرد. در این دوره ابوطیبه راهبر سیاست خارجی خود را در راستای استقلال کامل از ریاض دنبال کرد. تشدید اختلافات میان عربستان و قطر بر سر حمایت دوحه از جریان‌های اسلامگرای نزدیک به اخوان‌المسلمین در تونس و لیبی از یک سو و عدم پذیرش هژمونی ریاض توسط دیگر اعضای شورای همکاری‌های خلیج‌فارس از سوی دیگر باعث شد امارات فرصت مناسبی برای کنشگری خود در سطح منطقه‌ای داشته باشد.

■ **نقش مستقل امارات در یمن**

امارات عربی متحده به عنوان یکی از اعضای ائتلاف عربی، سیاست مبتیانی نسبت به سعودی‌ها در یمن اتخاذ کرد. عربستان سعی در به قدرت رساندن مجدد منصور هادی داشت تا از این طریق بتواند نفوذ خود را بر این کشور تثبیت کند و مانع قدرت‌گرفتن انصارالله در یمن شود، از این رو ریاض به دنبال حفظ تمامیت ارضی یمن در ذیل سایه حکومت نزدیک به خود است اما در مقابل امارات عربی متحده رویکرد محتاطانه‌ای را نسبت به حوثی‌ها اتخاذ کرد. به طور کلی ابوطیبه برداشت متفاوتی نسبت به عربستان از اوضاع یمن دارد، از این رو مقابله با انصارالله به منظور آنچه از آن با عنوان تلاش برای دفع نفوذ ایران یاد می‌شود، جزو اولویت‌های سیاست خارجی امارات محسوب نمی‌شود بلکه این کشور به دنبال تثبیت نفوذ خود در یمن و کنترل بنادر و مناطق مشرف بر تنگه باب‌المنند است که بخش مهمی از جریان انرژی منطقه از آن عبور می‌کند و از سیاست‌های تنش‌زا با ایران و متحان محلی آن در یمن تا حد ممکن پرهیز کرده است. تضاد منافع امارات و عربستان در یمن، ریاض و متحان محلی آن را برای مواجهه با انصارالله تضعیف کرد، زیرا این نیروها عملاً در ۲ جبهه مشغول نبرد هستند؛ در یک جبهه نیروهای نزدیک به امارات متشکل از شبه‌نظامیان قبایل و احزاب سیاسی تجزیه‌طلب جنوب یمن و در جبهه

۱- بن علی الحسینی، سعید (۲۰۱۹) «السیاسه الغارجه الاماراتیه فی القرن الإفريقي والیمن: الأثار والتأثیر»، سلطنة عمان: مجله جیل الدراسات السیاسیه والعلل‌اللات الدولیه، العدد ۲۴، ۲۰۱۹.
2- Donelli, F. and Dentice G. (2020) Fluctuating Saudi and Emirati Alignment Behaviors in the Hom of Africa, the International Spectator, 55 (1): 126-142.
۳- محمد، عالم رود معجینی (۱۳۹۹)، راهبرد سیاست خارجی ترکیه در بحران لیبی: تحکیم الگوی اخوانی، منافع اقتصادی با توازن منطقه‌ای، فصلنامه سیاست خارجی، ۲۴ (۲): ۶۳-۸۴.
4- Kissinger, Henry (2014) World Order, London, Penguin Press, 432 pp.